

کثیرالن و دایم فکر بوده اند ایشان را حق نبوده و پیکره
 ایشان دور از بوده است و سخن نمی گفته است از
 حاجت چون سخن گفته بود مع الکلی یعنی مستحق
 در اندک عبارت تمام کردی زیرا که گفته اند فی الکلام
 قل و دل و دیگر **میان** ای برادر من یکی از ادب طریقت
 نیست ناکردن است و ناشنودن باید که خود را نگاه
 و این صفات بدست حضرت حق جل و علا و کلام خود
 قولی ای صاحب کم آن بایکل از اخیه میتا فکر تمهید
 آنکه کی نوبت افراشته از کثرت مردمان غنی
 آنکه بعب خلق پرده است و است که عیب نشناخت
باید طالب سلوک در قیاس و ظلم نکند یعنی از خدا
 غافل نباشد بداند ظلم بر دین و نوع است یکی آنکه برادر
 مؤمن در دنیا ظلم نکند بظاهر دیگر آنکه بفیض خود ظلم نکند

این

این معنی وارد از خدا غافل نباشد مؤمن باید که بجهت دینی
 نگاه دارد توفیق رفیق یار پسین اکابر است که دل غافل
 حق است هر چه غیر حق است در پی راه و جهل است
 در وعده اهل ظلم غافل است در رنده ظلم و ارباب است
پسین اکابر تواجبه است قدس الله ارواحهم که خدا
 حاضر است در بهشت تقدیس و بهر که از خدا غافل است
 در روزه تقدیس از کلیه قسیده مولانا عارف ریور
 فرموده اند که در بندی تدریس خود است در روزه تقدیس
 هر که در طالع تقدیر خود است در بهشت تقدیس و نیز فرموده
 در وقت طعام خوردن هر معنوی بکار می شود لیت دل
 بجهت قبولیت اصحاب گفتند بدگر می بسیار
طالب سلوک باید که در وقت خود را نگاه دارد و یکی
 سخن کردن و یکی در وقت طعام خوردن